



قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

معنای تعبد در احکام شرعی

شناسنامه مطلب	
t-94	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/ورود به آستان بندگی/مراقبه و محاسبه روزانه/شناخت احکام شرعی	رده
احکام، احکام شرعی، تعبد، ملازمه، حکم عقل، فلسفه احکام، شهید مطهری(ره)	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

معنای تعبد

تعبد به این معنی است که ما نباید این طور باشیم که تا حکمت دستوری را کشف نکرده ایم، به آن عمل نکنیم. ما باید متعبد باشیم، به این معنی که باید به هر دستوری که ثابت شد از ناحیه ی دین است عمل کنیم، خواه اینکه حکمتش را فهمیده باشیم یا نفهمیده باشیم.

ولی از ناحیه ی خود دین تعبد محض وجود ندارد، به این معنی که هیچ دستوری که خالی از حکمت و مصلحت باشد وجود ندارد. هر دستوری به واسطه ی يك حکمتی است. لهذا علما دو قاعده که عکس یکدیگرند، بیان کرده و اسم آنها را قاعده ی ملازمه گذاشته اند. می گویند بین حکم عقل و حکم شرع همیشه تلازم است؛ یعنی هرچه را که عقل حکم به لزوم آن بکند دین هم حکم به لزوم آن می کند و هرچه را که دین حکم به لزوم آن بکند عقل هم حکم می کند، به این معنی که اگر عقل يك مصلحتی را کشف کرد (کشف یقینی و قطعی نه کشف احتمالی و گمانی) در اینجا باید حکم بکنیم که حتماً اسلام دستورش همین است ولو آن دستور به ما نرسیده باشد. فقها، دارند مواردی که فتوا می دهند و حال آنکه دلیل نقلی از ناحیه ی شارع نرسیده است. فقط از باب اینکه عقل این جور حکم می کند فتوا می دهند.

توضیح قاعده ملازمه با مثال

مثلاً مسئله ای هست در فقه به نام «ولایت حاکم»، یعنی حاکم شرعی در بسیاری از موارد حق ولایت دارد. اگر شخصی بمیرد و وصیی معین نکرده باشد و يك قیم شرعی هم وجود نداشته باشد، تکلیف بچه های او چیست؟ می گویند تکلیف اینها را باید حاکم شرعی معین کند - در صورتی که نه آیه ای هست و نه خبر صددرصد صحیح - چون اسلام دینی است که مصالح مردم را بالاتکلیف نمی گذارد.

هرچه که شارع حکم کرده است عقل هم حکم کرده است. معنای این جمله این نیست که هر جا که شارع حکمی وضع کرده، عقل هم الآن حکمی دارد؛ مثلاً اگر شارع گفته است گوشت خوک حرام است عقل هم می فهمد که چرا حرام است. نه، مقصود این است که در هر حکم شارع رمزی وجود دارد که اگر آن رمز را برای عقل بگویند، عقل هم تصدیق می کند. این را می گویند قاعده ی ملازمه.

روی این حساب علمای اسلام می‌گویند هر دستوری از دستورات اسلام (چه واجب، چه مستحب، چه حرام و چه مکروه) حتماً به خاطر يك مصلحت یا دفع يك مفسده است و به همین جهت خاصیت حکیمانه‌ای دارد، اسلام گزاف حرف نمی‌زند.

این پیوندی که میان عقل و دین اسلام هست، در مورد هیچ دینی وجود ندارد.

شما از علمای هر دین دیگری پرسید چه رابطه‌ای میان دین و عقل هست، می‌گویند هیچ، اصلاً عقل را با دین چه کار؟! مسیحیت از تثلیث شروع می‌شود و در این مورد حرفی می‌زنند که اگر بگوییم با عقل جور در نمی‌آید، می‌گویند در نیاید.

آنها وقتی می‌گویند ایمان و تعبد، مقصودشان پشت پا به عقل زدن و تسلیم کورکورانه در مقابل دین است. در اسلام تسلیم کورکورانه و تسلیمی که ضد عقل باشد نیست. البته تسلیمی که مافوق عقل باشد هست به همین معنا که عرض کردم، که آن خودش مطابق حکم عقل است. عقل هم می‌گوید جایی که اطلاعی نداری حرف بزرگتر را بپذیر.

مجموعه آثار شهید مطهری . ج ۲۱، ص: ۱۶۸